



“An Examination of Theological Challenges of the Consequences of Sin with Emphasis on Al-Mizan Exegesis”

soroush, jamal ^{a*}

^a a Assistant Professor, Department of Philosophy, Malayer University, Malayer, Iran j.soroush@malayeru.ac.ir

KEY WORDS

Consequences of Sin
Theological Challenges
Al-Mizan Exegesis
Divine Justice
Divine Wisdom

ABSTRACT

This study examines the theological challenges arising from the consequences of sin—both ontological and conventional—within the cosmic order (encompassing both this world and the hereafter), with emphasis on *Al-Mizan* exegesis by Allameh Tabataba'i. The consequences of sin are categorized into two domains: individual (poverty, hardness of heart, shortened lifespan, forgetfulness, unanswered prayers, inclination toward atheism, eternal punishment, and loss of spiritual state) and social (natural disasters, drought, inflation, sudden deaths, family disputes, and social corruption). Using a descriptive-analytical method and focusing on *Al-Mizan*, four theological challenges are addressed: the apparent conflict between divine penal laws and human free will, the incompatibility of collective consequences of sin with divine justice, the tension between the consequences of sin and divine mercy, and the challenge of reconciling the consequences of sin with divine wisdom. The findings indicate that these challenges can be resolved through a proper explanation of theological concepts and by reference to the immutable divine traditions, the organic unity of society, and the wise divine order. Thus, these consequences (ontological and conventional) are not only consistent with human free will, divine justice, mercy, and wisdom, but also aligned and harmonious with them..

* Corresponding author.

E-mail address: : jsoroush@yahoo.com & j.soroush@malayeru.ac.ir

DOI: 10.22034/rtmr.2025.2075719.1118

Received: 2025/10/25 Received in revised form: 2025/11/19 Accepted: 2025/11/26





نوع مقاله: پژوهشی

بررسی چالش‌های کلامی آثار گناه با تأکید بر تفسیر المیزان

جمال سروش^{الف*}

^{الف} استادیار، گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه ملایر، ایران j.sorush@malayeru.ac.ir

چکیده	واژگان کلیدی
این پژوهش به بررسی چالش‌های کلامی ناشی از آثار (تکوینی و اعتباری) گناه در نظام عالم (اعم از دنیا و آخرت) با تأکید بر تفسیر المیزان علامه طباطبائی می‌پردازد. آثار گناه در دو حوزه فردی (فقر، قساوت قلب، کوتاهی عمر، فراموشی، مستجاب نشدن دعا، گرایش به الحاد، عذاب اخروی و فقدان حالت معنوی) و اجتماعی (بلاهای طبیعی، خشکسالی، تورم، مرگ‌های ناگهانی، اختلافات خانوادگی و فساد اجتماعی) دسته‌بندی می‌شود. با روش توصیفی-تحلیلی و با محوریت تفسیر المیزان، چهار چالش کلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد: تعارض ظاهری قوانین کیفری الهی با اختیار انسان، ناسازگاری آثار جمعی گناه با عدل الهی، تعارض آثار گناه با رحمت الهی، و چالش آثار گناه با حکمت الهی. یافته‌ها نشان می‌دهد که این چالش‌ها با تبیین صحیح مفاهیم کلامی و با استناد به سنن الهی تخلف‌ناپذیر، وحدت ارگانیک جامعه و نظام حکیمانه الهی قابل حل هستند و این امور (=آثار تکوینی و اعتباری گناه) با اختیار انسان و عدالت، رحمت و حکمت الهی نه تنها منافات ندارد بلکه در راستای آن و هماهنگ با آن است.	آثار گناه، چالش‌های کلامی، تفسیر المیزان، عدل الهی حکمت الهی
	تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۸/۳
	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۸/۲۸
	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۹/۵

مقدمه

آثار گناهان را می‌توان در دو حوزه اصلی دسته‌بندی نمود: الف. آثار فردی که شامل مواردی همچون فقر و تنگدستی (طه/۱۲۴)، قساوت قلب (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۱۴)، کوتاهی عمر (طوسی، ۱۴۱۴ق. ص ۳۰۵)، فراموشی (حلی. بی تا. ص ۱۹۷)، مستجاب نشدن دعا (کلینی. ۱۴۰۷ق. ج ۲، ص ۲۷۱)، گرایش به الحاد (روم/۱۰. نیز: تفسیر الامام العسکری. ۱۴۰۹ق. ص ۲۶۴)، عذاب اخروی (نمل/۹۰) و فقدان حالت معنوی در عبادت (مجلسی. ۱۴۰۳ق. ج ۲، ص ۳۲) می‌شود. ب. آثار اجتماعی که نمود آن در پدیده‌هایی مانند بلاهای طبیعی، خشکسالی (کلینی. ۱۴۰۷ق. ج ۲، ص ۳۷۳)، نزول بلاهای مختلف و تغییر نعمت‌های الهی (دعای کمیل)، تورم، مرگ‌های ناگهانی، اختلافات خانوادگی، دگرگونی سرنوشت جامعه و فساد اجتماعی (انفال/۵۳) قابل مشاهده است. در تحلیل این آثار، اگرچه برخی به عوامل سطحی یا باورهای خرافی متوسل می‌شوند، اما از منظر دینی، یکی از علل اصلی و زیربنایی این مصائب، گناهان فردی و اجتماعی شناخته می‌شود.

* نویسنده مسئول؛

اسلام، بر اساس آموزه‌های قرآن کریم، بسیاری از مصائب و بلاهای انسان را نتیجه‌ی طبیعی و تکوینی اعمال ناشایست او می‌داند. از جمله در آیه‌ی شریفه‌ی

«وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ» (شوری: ۳۰)،

به‌صراحت بیان شده است که ریشه‌ی مصائب، در رفتار و کردار انسان‌ها نهفته است.

در همین باره، در حدیثی از امیرالمؤمنین علی(ع) نقل شده که فرمودند: پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله درباره‌ی این آیه فرمود:

«خَيْرُ آيَةٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ هَذِهِ الْآيَةُ، يَا عَلِيُّ، مَا مِنْ حَدَثٍ عُودٍ وَلَا نَكْبَةٍ قَدِمَ إِلَّا بِذَنْبٍ»

بهترین آیه در قرآن مجید است. ای علی! هر خراشی که از چوبی بر تن انسان وارد می‌شود و هر لغزش قدمی، در اثر گناهی است که از او سر زده است. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۹، ص ۴۰۰)

این آثار، گاه در حوزه‌ی فردی باقی می‌مانند و گاه، به دلیل پیوند ارگانیک و وحدت اجتماعی انسان‌ها، به شکل بلایای جمعی بروز می‌کنند. قرآن کریم این قانون تکوینی را در آیه‌ی «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» (روم: ۴۱) بیان کرده است؛ یعنی فساد در خشکی و دریا، نتیجه‌ی کارهای انسان‌هاست. در دوران معاصر نیز، گسترش گناهان نوپدید — مانند بی‌حجابی، اختلاط بی‌ضابطه، استفاده‌ی نادرست از فضای مجازی و مصرف مواد مخدر — سبب پیدایش بلاها و بحران‌های تازه‌ای در عرصه‌های اجتماعی و اخلاقی شده است. این ارتباط مستقیم میان گناه و بلا، در روایت امام موسی بن جعفر(ع) نیز به روشنی بیان شده است:

«كُلَّمَا أَخَذَتِ النَّاسُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْمَلُونَ، أَخَذَتِ اللَّهُ لَهُمْ مِنَ الْبَلَاءِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعُدُّونَ»؛ هرگاه مردم گناه تازه‌ای مرتکب شوند، خداوند بلای تازه‌ای برای آنان پدید می‌آورد که سابقه نداشته است. (ابن‌شعبه، ۱۳۶۳ش، ص ۴۱۰)

از منظر کلامی، آثار گناه را می‌توان به دو دسته‌ی اصلی تقسیم کرد:

آثار تشریعی: مجازات‌های اعتباری و قانونی که در شریعت برای افعال ناشایست مقرر شده‌اند، اعم از مجازات‌های دنیوی (مانند حدود و تعزیرات) و اخروی (مانند عذاب برزخ و دوزخ).

آثار تکوینی: پیامدهای واقعی و ذاتی اعمال که در نظام وجودی عالم تأثیر می‌گذارند و سبب وقوع مصائب فردی و اجتماعی می‌شوند.

این حقیقت، پرسش‌های ژرفی را در عرصه‌ی علم کلام برمی‌انگیزد؛ از جمله:

سازوکار تأثیر گناه فردی بر نظام تکوین چیست؟

این تأثیر چگونه با اصول عدل، حکمت، قضا و قدر الهی سازگار می‌گردد؟

آیا چنین رابطه‌ای با اختیار انسان در تعارض نیست؟

پاسخ به این پرسش‌ها، بنیاد فهم دقیق‌تری از نظام جزا و تأثیر عمل انسانی در جهان هستی فراهم می‌آورد؛ نظامی که علامه طباطبایی در تفسیر المیزان آن را بر محور سنن حکیمانه‌ی الهی و نظام احسن تبیین می‌کند.

تفسیر المیزان علامه سید محمدحسین طباطبایی، به عنوان یکی از جامع‌ترین تفاسیر قرآن، با رویکردی فلسفی-کلامی به تبیین این مسئله پرداخته است. این پژوهش درصدد است تا با محوریت این تفسیر ارزشمند، چالش‌های کلامی ناشی از تأثیر گناه در نظام تکوین را با روش **توصیفی-تحلیلی** و با تکیه بر منابع **کتابخانه‌ای** بررسی نماید و پاسخی استوار به شبهات مطرح‌شده ارائه کند تا گوشه‌ای از هماهنگی شگفت‌انگیز **دین و عقل** را به تصویر بکشد.

پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیق در حوزه «بررسی چالش‌های کلامی آثار گناه با تأکید بر تفسیر المیزان» نشان می‌دهد که اگرچه آثار عمومی درباره گناه فراوان است، اما پژوهش‌های مستقلی که به‌طور خاص این موضوع را با محوریت کامل «المیزان» و با رویکردی کلامی بررسی کرده باشند، محدود هستند. پژوهش‌های موجود عمدتاً به یکی از این دو حوزه می‌پردازند: **بررسی کلی آثار گناه** یا **تحلیل مفاهیم کلامی در المیزان**. بنابراین به نظر می‌رسد خلأ اصلی، عدم وجود پژوهشی است که به صورت متمرکز و نظام‌مند، **چالش‌های کلامی ناظر بر "آثار گناه"** را با اتکای کامل به چارچوب فکری علامه طباطبایی در المیزان بررسی کند. بدین سان برای این منظور خود تفسیر المیزان، به‌ویژه در ذیل آیات مربوط به سنن الهی، قضا و قدر، عدل الهی و رابطه اعمال با وقایع عالم اصلی‌ترین منبع برای استخراج دیدگاه‌های علامه و چالش‌های کلامی است.

مبانی نظری و مفاهیم پایه

۱. گناه

گناه در لغت به معنای خطا کردن، گذشتن از حد و مرز و سرپیچی از فرمان است. در اصطلاح قرآنی، گناه هرگونه عملی است که از حدود و قوانین الهی تجاوز نماید و انسان را از مسیر بندگی و تقوا خارج سازد. علامه طباطبایی در المیزان، گناه را نوعی «انحراف از فطرت پاک انسانی» می‌داند که موجب «فساد در نفس» و «انحراف از صراط مستقیم» می‌شود. ایشان با استناد به آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱) تأکید می‌کنند که گناه، تغییر در سرشت و باطن انسان ایجاد می‌کند که خود مقدمه تغییر در شرایط بیرونی است. گناهان از نظر شدت و ضعف و نیز از نظر قلمرو تأثیر به فردی و اجتماعی تقسیم می‌شوند. گناه فردی تنها به شخص گناهکار بازمی‌گردد، اما گناه اجتماعی هنگامی است که افراد زیادی مرتکب گناه شوند یا گناه در جامعه شیوع یابد که در این صورت، آثار و تبعات گسترده‌تری خواهد داشت.

۲. آثار شرعی گناه

مقصود از آثار شرعی (یا اعتباری و قراردادی) گناه مجازات‌های اعتباری هستند که شارع برای حفظ نظم جامعه و جلوگیری از گناه مقرر کرده است. ناگفته نماند که برخی از اندیشمندان با تمسک به برخی آیات قرآن کریم رابطه اعمال انسان و نتایج اخروی آنها را حقیقی دانسته اند^۱ که اگر این گونه باشد آثار این قسم از گناهان هم به قسم دوم (=آثار وضعی و تکوینی) برمی گردد و تحلیل واحدی دارد.

۱. ما به جهت اهمیت، فهرست و ترجمه آن آیات را در اینجا می آوریم:

۱) « سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ » (آل عمران: ۱۸۰)؛ ترجمه: (اموالی که در جهان می‌اندوزند) به زودی (در قیامت) گردن‌بندی می‌شود به گردنشان، و بازمانده آسمان‌ها و زمین از آن خداست و خدا بدانچه می‌کنید، آگاه است.

۲) «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا» (نساء: ۱۰)؛ ترجمه: و آنان که اموال یتیمان را به ستم می‌خورند، در واقع در شکم خود آتش می‌انبارند و به زودی گرفتار دوزخ خواهند شد.

(۳) «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ * يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فُتْكُوىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَأُخْرُؤُهُمْ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ» (توبه: ۳۴-۳۵)؛ آنان که زر و سیم جمع می‌کنند و آن را در راه خدا صرف نمی‌کنند، به عذابی دردناک بشارتشان ده! روزی که آن زر و سیم را در آتش می‌گدازند و پیشانی و پهلو و پشتشان را با آن داغ می‌کنند (و به آنها گفته می‌شود: این همان بود که برای خود می‌انباشید؛ پس بجشید آنچه را انباشته بودید.

۴) «يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ حَرْدَلٍ فَتَنُكِنَ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ» (لقمان: ۱۶)

ترجمه: ای پسرکم، همانا اگر نتیجه کار تو در این دنیا) به قدر دانه خردلی و آن هم در (درون) سنگی، یا در آسمان‌ها یا زمین باشد، خدا آن را خواهد آورد و خدا لطیف و آگاه است.

(۵) «وَمَا تَقْدُمُوا لَأَنفُسِكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (بقره: ۱۱۰)؛ ترجمه: هرگونه نیکی که برای خود پیش فرستید، آن را نزد خدا خواهید یافت. خداوند به آنچه می‌کنید بیناست.

۶) «وَقَدِّمُوا لَأَنفُسِكُمْ وَأَتَقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (بقره: ۲۲۳)؛ ترجمه: برای خود (کارهای نیک) از پیش فرستید و از خدا بترسید و بدانید که شما خدا را ملاقات می‌کنید و بشارت ده مؤمنان را.

۷) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِإَدْوٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (حشر: ۱۸)؛ ترجمه: ای آنان که ایمان آورده‌اید، از خدا بترسید، و هر کس باید بنگرد که برای فردا چه از پیش می‌فرستد، و از خدا بترسید، همانا خدا از آنچه می‌کنید، آگاه است.

۸) «وَمَا تَقْدُمُوا لَأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْراً وَاسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (مزمل: ۲۰)؛ ترجمه: هرگونه نیکی که برای خود پیش فرستید آن را نزد خدا خواهید یافت و خدا بهتر و با پاداش بزرگ‌تر است. از خدا آمرزش بخواهید و خدا بخشایندهٔ مهربان است.

۹) «يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ» (نبأ: ۴۰)؛ ترجمه: روزی که انسان می‌نگرد به آنچه دستانش پیش فرستاده‌اند.

۱۰) «وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَأَنفُسِكُمْ وَمَا تَنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُؤَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَظْلُمُونَ» (بقره: ۲۷۲)؛ ترجمه: و هر مالی که انفاق کنید، به سود خود شماس؛ در حالی که نمی‌بخشید مگر برای رضای خدا، و هر چیزی را که انفاق کنید به طور کامل به شما داده خواهد شد و ستمی بر شما نخواهد رفت.

۱۱) «ثُمَّ تَوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (آل عمران: ۱۶۱)؛ ترجمه: آن‌گاه هر کس هرچه انجام داده و کسب کرده است (در آخرت) بدو پرداخت می‌شود و به آنان ستم روا نمی‌گردد.

۱۲) «وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَظْلَمُونَ» (انفال: ۶۰)؛ ترجمه: آنچه در راه خدا می‌بخشید، به تمام و کمال به شما داده خواهد شد و به شما ستم روا نمی‌گردد.

۱۳) «وَإِنَّ كَلَّالًا لَّمَّا لِيُوقِنَهُمْ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (هود: ۱۱۱)؛ ترجمه: همانا پروردگارت (در قیامت) به همهٔ مردم هر آنچه را انجام داده‌اند، به تمام و کمال می‌دهد و خدا به آنچه انجام می‌دهند، آگاه است.

۱۴) «لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ» (ابراهیم: ۵۲)؛ ترجمه: تا جزا دهد خداوند به هر کس آنچه را به دست آورده است. خدا حساب‌رس سریعی است.

۱۵) «وَتَوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (نحل: ۱۱)؛ ترجمه: به هر کس آنچه انجام داده است، به تمام و کمال داده می‌شود و به آنان ستمی نخواهد رفت.

۱۶) «وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا» (کهف: ۴۹)؛ ترجمه: (در قیامت) هر کس هرچه کرده حاضر می‌بیند و پروردگارت به هیچ کس ستم نمی‌کند.

۱۷) «وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ» (سبا: ۳۹)؛ ترجمه: چیزهایی را که می‌بخشید، خدا (جای دیگر ذخیره می‌کند و) به شما برمی‌گرداند.»

۱۸) «وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (یس: ۵۴)؛ ترجمه: جز همان که می‌کردید، پاداشی به شما داده نخواهد شد.

۱۹) «وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ» (زمر: ۲۴)؛ ترجمه: به ستمگران می‌گویند: آنچه را به دست آوردید، اکنون بچشید.

۲۰) «إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (تحریم: ۷)؛ ترجمه: همانا به آنچه می‌کردید پاداش داده می‌شوید.

۳. آثار وضعی گناه

مقصود از آثار وضعی (یا تکوینی)، پیامدهای قهری و حقیقی خود گناه در جهان هستی هستند؛ تأثیراتی که گناه به صورت مستقیم و در قالب قوانین علی و معلولی در جهان خارج بر جای می‌گذارد. این آثار، اموری اعتباری و قراردادی نیستند، بلکه لازمه ذاتی و طبیعی خود گناه محسوب می‌شوند؛ همان‌طور که آتش، سوزش ایجاد می‌کند، گناه نیز فساد و تباهی به دنبال دارد. این تأثیرات گاهی فردی است، مانند بیماری، مرگ ناگهانی و قساوت قلب که برای خود گناهکار رخ می‌دهد و گاهی اجتماعی و فراگیر است، مانند نزول بلایا، قحطی، خشکسالی و جنگ که دامن‌گیر جامعه می‌شود. علامه طباطبائی در تفسیر آیه (روم: ۴۱) تصریح می‌کند که فساد در خشکی و دریا، نتیجه تکوینی و حتمی اعمال ناشایست انسان‌هاست: "آیه ظاهر لفظش عام است، و مخصوص به یک زمان و یا به یک مکان و یا به یک واقعه نیست و در نتیجه مراد از (بر و بحر) همان معنای معروف است که شامل همه روی زمین می‌شود. و مراد از فساد در زمین، مصایب و بلاهایی عمومی است که یکی از منطقه‌ها را گرفته و مردم را نابود می‌کند، مانند زلزله، نیامدن باران، قحطی، مرضهای مسری، جنگها، غارتها، و سلب امنیت، و کوتاه سخن هر بلایی که نظام آراسته و صالح جاری در عالم را بر هم می‌زند، چه اینکه مستند به اختیار بعضی از مردم باشد، و یا نباشد، چون همه آنها فساد است که در دریا و خشکی عالم پدید می‌آید، و خوشی و طیب عیش انسانها را از بین می‌برد. اشاره به وجود رابطه مستقیم بین اعمال مردم و حوادث عالم (بما کسبت ایدی الناس) یعنی این فساد ظاهر در زمین، بر اثر اعمال مردم است، یعنی به خاطر شرکی است که می‌ورزند، و گناهانی است که می‌کنند، ... بین اعمال مردم و حوادث عالم رابطه مستقیم هست، که هر یک متاثر از صلاح و فساد دیگری است" (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۹۳)

۴. تفاوت دو قسم آثار

آثار وضعی (یا تکوینی) تفاوت‌های بسیاری با آثار شرعی (یا قراردادی و اعتباری) دارد که در جدول زیر به آن می‌پردازیم:

جدول ۱: تفاوت اقسام آثار

ویژگی	آثار شرعی گناه	آثار وضعی گناه
منشأ اثر	تشریع و قانونگذاری شارع (دستورات شرعی)	تکوین و نظام هستی (قوانین علی و معلولی حاکم بر جهان)
ماهیت	اعتباری، قراردادی و جعل شده توسط شرع	حقیقی، ذاتی و غیرقابل انفکاک از خود گناه

(۲۱) «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزال: ۷-۸)؛ ترجمه: هر که به قدر ذره‌ای نیکی کند، همان را می‌بیند و آن که هموزن ذره‌ای بدی کند، همان را خواهد دید. (برای مطالعه بیشتر رک: (مصباح، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۲۴۱-۲۴۹)

نمونه‌ها	حد زنا، کفاره روزه‌خواری، دیه قتل، تعزیر	قساوت قلب، فساد در محیط زیست، مرگ ناگهانی، کاهش روزی
قابلیت اسقاط	قابل اسقاط؛ با توبه یا عفو از سوی حاکم شرع ساقط می‌شوند	غیرقابل اسقاط؛ حتی با توبه نیز ممکن است اثر دنیوی آن باقی بماند
منبع استنباط	نصوص شرعی (آیات و روایات)	عقل و کشف قوانین تکوینی از طریق قرآن و روایات

البته همان‌گونه که اشاره شد، ممکن است بتوان آثار اعتباری را به نحوی به آثار حقیقی و تکوینی بازگرداند؛ اما این مسئله — اعم از پذیرش یا عدم پذیرش چنین بازگشتی — در تحلیل حاضر تأثیری ندارد؛ زیرا با التزام به نگرش توحیدی و قول به «توحید افعالی»^۲ — که همه امور را فعل خدا می‌داند — هر دو قسم آثار گناه (تکوینی و اعتباری) به خداوند متعال مستند می‌شوند. به بیان دیگر، همان خدایی که به اقتضای توحید در ربوبیت تکوینی، نظام علّی و معلولی را بر عالم حاکم کرده، در عرصه تشریع نیز به اقتضای توحید در ربوبیت تشریعی، منشأ تمام قوانین و احکام جزایی و حقوقی در دنیا و آخرت است.

۵. چالش‌های کلامی

مقصود از چالش‌های کلامی پرسش‌هایی است که علم کلام باید پاسخ آن را بدهد. علم کلام یکی از علوم اسلامی است که درباره عقاید اسلامی بحث می‌کند؛ این‌گونه که آنها را توضیح می‌دهد، برای آنها استدلال می‌کند و از آنها دفاع می‌کند. (مطهری، ۱۳۸۹ ش، ج ۳، ص ۵۷) چالش‌های کلامی در این نوشتار مشخصاً ابهامات و پرسش‌هایی است که از قول به آثار گناه (اعم از تکوینی و شرعی) ناشی می‌شود. این پرسش‌ها بدین شرح است:

۱/۵. چالش اول: تعارض ظاهری بین قوانین کیفری الهی و اختیار انسان

آیا آثار تکوینی گناه و نیز وضع مجازات‌های دنیوی (مانند حدود^۳، تعزیرات^۴ و قصاص^۵) و اخروی از سوی خداوند با اصل اختیار انسان در تعارض نیست؟ به بیان دیگر، آیا قضا و قدر^۶ الهی و توحید افعالی در قوانین تکوینی و تشریعی، آزادی عمل انسان را

۲. توحید افعالی که گاهی از آن به توحید در آفرینش یا توحید در خالقیت خداوند نیز تعبیر می‌شود در اصطلاح فلاسفه به معنای این است که همه نظام‌ها و سنت‌ها و علل و معلومات و اسباب و مسببات، فعل خدا و کار او و ناشی از اراده خداست. موجودات عالم هم‌چنان‌که در ذات خود، استقلال وجودی از خدا ندارند، در مقام تأثیر و علیت نیز استقلال ندارند و در نتیجه خداوند همان‌طور که در ذات خودش شریک ندارد، در فاعلیت نیز شریک ندارد. هر فاعل و سببی، حقیقت خود و تأثیر و فاعلیت خود را از او دارد. (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۰۲-۱۰۳)

۳. در اصطلاح فقهی، مراد از حدود، برخی مجازات‌های بدنی با اندازه‌های مشخص است که از جانب شرع برای جرائم خاص تعیین شده است. (شهیدثانی، ۱۴۲۳ ق، ج ۱۴، ص ۳۲۵)

نفی نمی‌کند؟ استدلال می‌شود که اگر این قوانین و مجازات‌ها وجود نداشت، انسان می‌توانست به طور کاملاً آزادانه عمل کند؛ اما اکنون وجود این قوانین بازدارنده، او را وادار به ترک گناه می‌سازد؛ مشابه قوانین راهنمایی و رانندگی که آگاهی از آنها و حضور پلیس، راننده را ملزم به رعایت مقررات می‌کند.

پاسخ: وجود قوانین و مجازات‌ها اگرچه موجب تأمل و بازدارندگی می‌شود، اما اختیار را از انسان سلب نمی‌کند. شاهد این امر، افرادی هستند که با وجود آگاهی کامل از عواقب گناه، به دلایلی مانند لجاجت، بی‌مبالاتی یا امید واهی به بخشش بی‌قید و شرط، باز مرتکب معصیت می‌شوند. به بیان دیگر، قوانین جزایی اسلام، همانند قواعد یک بازی، چارچوبی برای مسئولیت‌پذیری و نمایش انتخاب‌های انسان فراهم می‌کنند. همان‌طور که در بازی فوتبال، مقررات خطا و اخراج، بازیکن را مجبور به نحوه بازی خاصی نمی‌کند، بلکه چهارچوبی برای نمایش مهارت و انتخاب او تعیین می‌نماید، قوانین الهی نیز زندگی را از پوچی خارج ساخته و به اعمال انسان ارزش اخلاقی می‌بخشند. بنابراین، این قوانین نه تنها نافی اختیار نیستند، بلکه تضمین‌کننده^۴ کرامت و اراده آزاد انسانند. به تعبیر امام صادق (علیه السلام) در ردّ دو نظریه^۵ «جبر» (اشاعره) و «تفویض» (معتزله)، حقیقت «لَا جَبَرَ وَلَا تَفْوِیضَ» ، وَلَكِنْ أَمْرٌ بَيْنَ أَمْرَيْنِ «(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۸۲) است. یعنی افعال بندگان، از جمله گناهان، هم در دایره اراده و قضا و قدر الهی است و هم با اختیار و خواست خود آنان انجام می‌پذیرد. بنابراین، قوانین تکوینی و جزایی در نظام احسن^۶ الهی، دایره اختیار انسان را محدود می‌کنند، اما آن را زائل نمی‌سازند. سرّ

۴. تعزیر در فقه بر کیفری اطلاق می‌شود که برخلاف حد، شارع مقدّس اندازه‌ای برای آن تعیین نکرده است (النجفی، ۱۳۶۲ش، ج ۴۱، ص ۲۵۴)

۵. مقابله به مثل در جنایات عمدی را قصاص می‌گویند. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵ش، ج ۶، ص ۵۹۷) اگر کسی را که قتلی مرتکب شده یا جراحاتی به شخصی وارد کرده است، بکشند یا همان جراحت را به او وارد کنند، او را قصاص کرده‌اند. (النجفی، ۱۳۶۲ش، ج ۴۲، ص ۷)

۶. معنی قضای الهی درباره حوادث جهان، این است که این حوادث از ناحیه ذات حق قطعیت و حتمیت یافته‌اند و معنای تقدیر الهی این است که اشیاء اندازه خود را از آن ناحیه کسب کرده‌اند (مطهری، ۱۳۸۹ش، ج ۶، ص ۱۰۶۶)

۷. نظام احسن از لوازم حکمت دانسته شده به این بیان: چون خداوند خیر و کمال را دوست دارد و به جهات خیر و کمال موجودات نیز آگاه است، آفریدگان را به گونه‌ای می‌آفریند که هر چه بیشتر دارای خیر و کمال باشند. حب الهی بالاصاله به ذات خود و بالتبع به آفریدگانش تعلق می‌گیرد و همین رابطه اصالت و تبعیت در میان مخلوقات خدا نیز بر قرار است. به این بیان که موجود ممکنی که دارای همه کمالات امکان خود به وصف وحدت و بساطت باشد (موجود ممکن مجرد تام) در درجه اول از محبوبیت و مطلوبیت در نزد خدا باشد و سایر مخلوقات ممکن به حسب درجات وجود و کمالاتشان در درجات بعدی قرار می‌گیرند و به همین ترتیب تا به مرتبه مادیات برسد که میان کمالات وجودی آنها تزاخم برقرار با پدید آمدن موجودات بعدی، مزاحمت پیدا می‌کند و از سوی دیگر تکامل یافتن بعضی از موجودات مادی متوقف بر دگرگونی و نابودی برخی دیگر است؛ چنان که رشد و نمو حیوان و انسان به وسیله تغذیه از نباتات و نیز تغذیه برخی حیوانات از برخی دیگر حاصل می‌شود. در این سلسله، طبعاً موجودات کامل تر از مطلوبیت بیشتری برخوردار خواهند بود. با توجه به این مطلب است که حکمت الهی اقتضاء می‌کند خداوند در مادیات نیز نظامی را ایجاد کند که موجب تحقق کمالات وجودی بیشتر و بالاتر می‌باشد. یعنی سلسله علل و معلولات مادی به گونه‌ای آفریده شوند که هر قدر ممکن است مخلوقات بیشتری از کمالات بهتری بهره مند گردند. (مصباح، ۱۴۰۳ش، ج ۲، ص ۴۸۵)

مطلب هم توجه به رابطه طولی فاعلیت خدا و فاعلیت انسان است: "اراده فاعل نام برده در طول اراده خداست، نه در عرض آن، تا با هم جمع نشوند، و آن وقت بگویی: اگر اراده الهی تاثیر کند، اراده انسانی بی اثر و باطل میشود، و به همین بهانه جبری مذهب شوی. پس معلوم شد خطای جبری مذهب از کجا ناشی شده، از اینجا که نتوانستند تشخیص دهند، که اراده الهی چگونه به افعال بندگان تعلق گرفته، و نیز نتوانستند میان دو اراده طولی، با دو اراده عرضی فرق بگذارند، و نتیجه این اشتباهشان این شده که بگویند: به خاطر اراده ازلی خدا، اراده بنده از اثر افتاد" (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۵۵)

۲/۵. چالش آثار جمعی گناه با عدل الهی:

اساسی‌ترین پرسش در این زمینه آن است که چگونه می‌توان میان عدل الهی - که به تعبیر امیرالمؤمنین (ع) در نهج‌البلاغه «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهُ»؛ «عدل امور را در جایگاه‌های واقعی‌شان قرار می‌دهد» (حکمت ۴۳۷) و اقتضای آن، جزا دادن بر اساس عمل فردی است - با آثار جمعی گناه - از قبیل بلایای طبیعی، قحطی‌ها و بیماری‌های همگانی - جمع نمود؟ به عبارت دیگر، چرا جامعه انسانی - که شامل افراد بی‌گناه و کودکان نیز می‌شود - باید تاوان گناهان گروهی خاص را بپردازد؟ آیا چنین مسئله‌ای با عدالت پروردگار در تعارض نیست؟ در تبیین مسئله آثار جمعی گناه، بر دو محور اساسی باید تأکید کرد:

۱. وحدت ارگانیک جامعه

اولاً جامعه ترکیبی از موجودات مرده و بیگانه و بی ارتباط با هم نیستند تا انتظار داشته باشیم بازتاب عمل هر یک به دیگری و به کل سرایت نکند؛ بلکه جامعه موجودی زنده با اجزای به هم پیوسته است. همان‌گونه که آلودگی یک نقطه از سیستم فاضلاب، تمام ساکنان را بیمار می‌کند، گناه فردی نیز به دلیل پیوستگی وجودی اعضای جامعه، آثار خود را به کل سیستم تسری می‌دهد. مرحوم علامه در ذیل آیه ۳۰ سوره شوری (وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ) می‌فرمایند: خطاب در این آیه اجتماعی و متوجه به جامعه است، و مانند خطاب‌های دیگر منحل به خطاب‌های جزئی و به فرد فرد اجتماع نیست، و لازمه‌اش این است که مراد از مصیبت هم مصائب عمومی و همگانی از قبیل قحطی، گرانی، وبا، زلزله و امثال آن باشد. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۸۶)

۲. حاکمیت سنن الهی تخلف‌ناپذیر

ثانیاً، آن موجود زنده واحد، مشمول هرج و مرج و بی‌قانونی نیست که کار هر جزء از آن بی‌اثر باشد؛ بلکه این موجود - همچون کل نظام هستی - بر پایه سنت‌های تکوینی ثابت و حکیمانه استوار است^۸. آیه ۵۰ سوره انفال «ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي بَظْلَامًا لِلْعَبِيدِ» شاهی است بر این که هر مجازات جمعی، نتیجه مستقیم اعمال خود انسان‌هاست و هیچ ظلمی از سوی خداوند در کار نیست. ایشان تأکید می‌کنند که این عذاب، پیامد طبیعی اعمالی است که انسان‌ها مرتکب شده‌اند و جمله «أَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي بَظْلَامًا» قاعده کلی الهی را بیان می‌کند که هرگونه مجازات مبتنی بر نظام عادلانه علی و معلومی است.

۸. سنت‌های الهی، به معنای روش‌ها و ضوابطی در افعال خداوند است که امور عالم بر پایه آنها اداره می‌شود. (مصباح، ۱۳۹۱، ص ۴۶۹)
(این سنت‌ها از جهت تنوع روش‌ها و گستردگی به قدری فراگیرند که هیچ موجودی از شعاع سنت‌های الهی خارج نبوده و در هر موقعیتی یک یا چند سنت بر او حکومت می‌کند). (آقاجانی، ۱۳۹۳، ص ۳۴)

(طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۳۲) به تعبیر دیگر ظلم، قرار دادن چیزی در غیر جایگاه خود یا مجازات بی‌گناه است، در حالی که آثار جمعی گناه، پیامد طبیعی و تکوینی اعمال خود انسان‌هاست که در چارچوب سنت‌های الهی محقق می‌شود.

بدین سان آثار جمعی گناه نه تنها نافی عدل الهی نیست، بلکه تجلی سنت‌های حکیمانه خداوند در نظام منسجم اجتماعی است که انسان‌ها را از طریق نتایج طبیعی اعمالشان به سوی کمال هدایت می‌کند.

۳/۵. چالش آثار گناه با رحمت الهی

اگر خداوند رحیم است:

چرا با جلوگیری از آثار گناه، مانع آسیب دیدن بی‌گناهان نمی‌شود؟
چرا برای گناهان، آثار دردناک دنیوی و اخروی مقرر کرده است؟
آیا این آثار دردناک، با رحمت گسترده الهی در تعارض نیست؟

برای پاسخ به این چالش، ابتدا باید معنای رحمت را مشخص نمود. علامه طباطبایی در این باره می‌فرماید: «کلمه رحمت به معنی تأثر قلب است؛ اما نه هر تأثری، بلکه تأثر خاصی که از مشاهده ضرر یا نقص در دیگران به آدمی دست می‌دهد و او را وامی‌دارد که در مقام جبران ضرر و اتمام نقص برآید. اما وقتی این کلمه به خداوند متعال - که اجلّ از داشتن قلب است - نسبت داده شود، دیگر به معنی تأثر قلبی نیست، بلکه به معنی نتیجه آن تأثر است. نتیجه تأثر در ما آدمیان این بود که در مقام جبران نقص طرف برآییم؛ رحمت خداوند متعال نیز به همین معنا است. پس اینکه می‌گوییم خدا رحیم است، معنایش این است که نقص بنده را جبران نموده، حاجتش را برآورده و بیماریش را شفا می‌دهد. در یک عبارت جامع: رحمت خدا منطبق است بر اعطا و افاضه وجود بر خلقش.» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۱۱۷)

با توجه به معنای رحمت، در پاسخ به چالش آثار گناه می‌گوییم: آثار تکوینی و اعتباری گناه نیز مصداقی از مصادیق رحمت الهی است. خداوند بدین وسیله می‌خواهد نقص بنده خود را جبران کند، برای توضیح بیشتر، به دو مصداق اشاره می‌شود:

نخست: مصداقی که ناظر به آثار اعتباری و تشریعی گناهان است (=حدود الهی)؛

دوم: مصداقی که ناظر به آثار تکوینی و طبیعی گناهان می‌باشد (بلاها و بیماری‌ها).

مصداق اول: حدود الهی

واژه «حد» در لغت به معنای «منع» است. آهن را از آن رو «حدید» می‌نامند که مانع نفوذ است؛ همچنین به دربان «حداد» گفته می‌شود چون از ورود مردم جلوگیری می‌کند. مجازات‌های مقدر شرعی نیز به این دلیل «حد» نامیده شده‌اند که افراد را از ارتکاب گناه باز می‌دارند. (النجفی، ۱۳۶۲ش، ج ۴۱، ص ۲۵۴) تازیانه زدن نیز «حد» خوانده می‌شود، زیرا موجب منع فرد از تکرار جرم می‌گردد. با اجرای حد، هم گناهکار از بازگشت به عمل ناشایست بازداشته می‌شود و هم دیگران با مشاهده این مجازات، از ارتکاب اعمال خلاف خودداری می‌کنند.

«جلد» به معنای تازیانه زدن است و «جلده» اشاره به یک ضربه تازیانه دارد. تازیانه معمولاً از چرم تابیده یا ریسمان ساخته می‌شود و برای راندن چهارپایان، تنبیه متخلفان و موارد مشابه به کار می‌رود که به آن شلاق یا قمچی نیز گفته می‌شود. علت

نامیدن تازیانه زدن به «جلد» این است که تازیانه به پوست بدن می‌خورد یا از جنس پوست ساخته شده است. (راغب، ۱۴۰۴ق، ص ۱۹۹)

در قرآن کریم، تازیانه زدن به عنوان حد شرعی در دو مورد مشخص شده است:

۱. زنا: پس از اثبات زنا، برای هر یک از زن و مرد صد تازیانه مقرر شده است:

«الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةً» (نور، آیه ۲)؛ ترجمه: به زن زناکار و مرد زناکار صد تازیانه بزنید.

۲. قذف (اتهام ناروای زنا): در صورت عدم ارائه چهار شاهد، حد آن هشتاد تازیانه است:

«وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَ لَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا» (سوره نور، آیه ۴)؛ ترجمه: و کسانی که زنان عقیقه پاکدامن را به زنا متهم می‌کنند، سپس چهار شاهد نمی‌آورند، پس به آنان هشتاد تازیانه بزنید، و هرگز شهادتی را از آنان نپذیرید، و اینانند که در حقیقت فاسق اند.

بنابراین، حد، مصداقی از رحمت الهی است و نقص بندگان (تمایل به گناه) را جبران می‌کند.

مصداق دوم: بلاها و بیماری‌ها

برای مصداق دوم به ده حدیث نورانی از معصومین علیهم السلام اشاره می‌کنم:

۱. الحدیث القدسی: «أَهْلُ طَاعَتِي فِي ضِيَافَتِي، وَ أَهْلُ شُكْرِي فِي زِيَادَتِي، وَ أَهْلُ ذِكْرِي فِي نِعْمَتِي، وَ أَهْلُ مَعْصِيَتِي لَا أُؤَيِّسُهُمْ مِنْ رَحْمَتِي، إِنْ تَابُوا فَأَنَا حَبِيبُهُمْ، وَ إِنْ دَعَوْا فَأَنَا مُجِيبُهُمْ، وَ إِنْ مَرَضُوا فَأَنَا طَبِيبُهُمْ، أَدَاوِيهِمْ بِالْمِحَنِ وَ الْمَصَائِبِ، لِأَطَهَّرَهُمْ مِنَ الذُّنُوبِ وَ الْمَعَاصِي» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۷، ص ۴۲)؛ ترجمه: در حدیث قدسی آمده است: فرمانبرداران من میهمان منند، و سپاسگزاران من، نعمتشان افزوده شود و یاد کنندگان من، برخوردار از نعمت منند، و نافرمانان خود را از رحمتم نومید نمی‌کنم، اگر توبه کنند، من حبیب آنهایم و اگر مرا بخوانند، پاسخشان دهم و اگر بیمار شوند، من طبیبشان باشم، با رنجها و مصیبتها درمانشان کنم، تا از گناهان و عیبه‌ها پاکشان سازم.
۲. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «لَا يَزَالُ الْبَلَاءُ فِي الْمُؤْمِنِ وَالْمُؤْمِنَةِ فِي جَسَدِهِ وَمَالِهِ وَوَلَدِهِ حَتَّى يَلْقَى اللَّهَ وَ مَا عَلَيْهِ مِنْ خَطِيئَةٍ» (المجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، ص ۲۳۶)؛ ترجمه: زن و مرد مؤمن پیوسته در جان و مال و فرزندش گرفتار بلا می‌شود تا آن که بدون گناه خدا را دیدار کند.
۳. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «لَسَقَمَ يَمْحُو الذُّنُوبَ». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، ص ۲۴۴)؛ ترجمه: بیماری، گناهان را پاک می‌کند.
۴. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: ساعاتُ الْوَجَعِ يُذهِبْنَ ساعاتِ الْخَطَايا (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، ص ۲۴۴)؛ ترجمه: لحظات درد کشیدن، لحظه‌های [ارتکاب] گناهان را می‌برد.
۵. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: حَتَّى لَيْلَةٍ كَفَّارَةٌ سَنَةٍ. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۱، ص ۱۸۶)؛ ترجمه: یک شب تب داشتن، کفاره یک سال [گناه] است.
۶. عنه صلى الله عليه و آله - لَمَّا سَأَلَهُ رَجُلٌ: مَا الَّذِي يَمْحُو عَنِّي الْخَطَايَا؟ - :الدُّمُوعُ وَ الْخُضُوعُ وَ الْأَمْرَاضُ. (المنتقى الهندی، ۱۴۰۱ق، ج ۱۶، ص ۱۲۹)؛ ترجمه: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در پاسخ به سؤال مردی که پرسید: چه چیز گناهان مرا پاک می‌کند؟ - فرمود: اشک‌ها، خضوع [در پیشگاه خداوند] و بیماریها.
۷. الإمامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا ابْتَلَى اللَّهُ عَبْدًا أَسْقَطَ عَنْهُ مِنَ الذُّنُوبِ بِقَدْرِ عِلَّتِهِ. (غزبی، ۱۳۸۵ق، " ۱، ص ۲۱۸)؛ ترجمه: حضرت علی علیه السلام: هرگاه خداوند بنده‌ای را دردمند کند به اندازه بیماری اش گناهان او را می‌زداید.

۸. عنه عليه السلام - في المَرَضِ يُصِيبُ الصَّبِيَّ - : كَقَارَةِ لَوَالِدِيهِ. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۱، ص ۱۸۶)؛ ترجمه: حضرت علی علیه السلام - درباره بیماری کودکان - فرمود: کفاره گناهان پدر و مادر آنهاست.
۹. كان عليُّ بنُ الحسينَ عليهما السلام إذا رأى المريضَ قد برئَ قالَ لَهُ : لِيَهْنِثَكَ الطَّهْرُ - أَي مِنَ الذُّنُوبِ - فَاسْتَأْنَفِ الْعَمَلَ. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۱، ص ۱۸۶)؛ ترجمه: حضرت سجاد علیه السلام هر گاه بیماری را می دید که بهبود یافته است، به او می فرمود: پاکی از گناهان مبارکت باد! عمل [شایسته] را از نو آغاز کن.
۱۰. امام رضا(ع) فرمودند: «الْمَرَضُ لِلْمُؤْمِنِ تَطْهِيرٌ وَ رَحْمَةٌ وَ لِلْكَافِرِ تَعْذِيبٌ وَ لَعْنَةٌ وَ إِنَّ الْمَرَضَ لَا يَزَالُ بِالْمُؤْمِنِ حَتَّى لَا يَكُونَ عَلَيْهِ ذَنْبٌ» (شیخ صدوق، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۹۳) ترجمه: بیماری برای مؤمن پاک شدن و رحمت، و برای کافر عذاب و لعنت است. همانا بیماری از مؤمن زدوده نشود تا آنگاه که همه‌ی گناهانش پاک شود و گناهی بر او باقی نماند.

بدین سان: آثار گناه - اعم از حدود، بلاها و بیماری‌ها - در حقیقت تجلی رحمت الهی هستند؛ چرا که موجب پاکسازی گناهکاران، بازدارندگی از معاصی، و تکامل معنوی بندگان می‌شوند.

۴/۵. چالش آثار گناه با حکمت الهی:

چالش مذکور بدین شرح است که اگر خداوند حکیم است:

- الف) چرا با وجود توانایی جلوگیری از پیامدهای گناه، اجازه می‌دهد آثار طبیعی آن (مانند فساد محیط زیست، بیماری‌های جمعی و خشکسالی) دامن جامعه را بگیرد و بی‌گناهان نیز متأثر شوند؟ در حالی که به نظر می‌رسد حکمت، اقتضا می‌کند که جزا تنها متوجه خود گناهکار باشد، نه دیگر افراد جامعه.
- ب) چرا آثار گناه به گونه‌ای است که گاه به طغیان بیشتر گناهکاران یا یأس بی‌گناهان می‌انجامد؟ در حالی که حکمت الهی، هدایت انسان‌ها را اقتضا می‌کند.

برای پاسخ به این چالش، ابتدا باید معنای حکمت را مشخص نمود. علامه طباطبایی حکمت را این گونه تعریف می‌کند: ماده ح-ک-م "در همه مشتقاتش حاوی این معناست که چیزی که محکم است، بدین جهت محکم است که فساد در آن رخ نه نمی‌کند... حکمت به معنای معرفت تام و علم جازم و نافع است... و در همه این مشتقات، معنای نفوذناپذیری و محکم بودن نهفته است. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۹) و به طور خلاصه، «حکمت عبارت است از معارف حقیقی و فروعات آن، از شرایع و عبرتها و مواعظ». (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۹۰)

پاسخ به چالش‌های مطرح شده با توجه به معنای حکمت در المیزان بدین شرح است:

پاسخ به بخش الف: درست است که خداوند متعال می‌تواند از پیامدهای تکوینی و آثار طبیعی گناه جلوگیری کند و مانع از رسیدن تبعات گناه به غیر مرتکبین آن شود، اما چنین امری لازمه حکمت نیست. اگر جامعه، امری مادی و بی‌جان و غیرمرتبط بود، می‌توان انتظار داشت که تبعات کارهای هر فاعلی به دیگری نرسد؛ اما وقتی جامعه مرکب از موجودات زنده و مرتبط با نظام و قوانین و سنن واحد است، قهراً آثار افعال هر یک به دیگری سرایت می‌کند؛ به ویژه اینکه اگر این نظام و قوانین و سنن، حکیمانه باشد. در این صورت، تسری آثار افعال هر فرد به دیگران و به کل جامعه، نه تنها منافات با حکمت ندارد، بلکه عین حکمت و در راستای آن است.

پاسخ به بخش ب: اما اینکه سرایت آثار گناه به دیگران به طغیان یا یأس بینجامد و با هادی بودن خدا منافات داشته باشد، نیز سخن درستی نیست؛ چرا که:

اولاً، هدایت الهی هدایت جبری نیست به نحوی که فرد هدایت‌شده هیچ نقشی در آن نداشته باشد و اساساً چنین هدایتی برای فرد ارزشی نخواهد داشت.

ثانیاً، سرایت گناه به دیگران و جامعه حالت سومی (غیر از طغیان و یأس) نیز می‌تواند داشته باشد که در فرض سؤال و چالش به آن اشاره نشده است و آن «هشدار و ارشاد» به دیگران و جامعه است که در برابر گناه، هیچ یک از افراد جامعه بی‌تفاوت نباشند و برای تغییر آن تلاش کنند. چنین حالتی نه تنها مضر و خلاف حکمت نیست، بلکه عین حکمت و در راستای آن است.

نتیجه‌گیری:

بررسی چالش‌های کلامی آثار گناه در پرتو تفسیر المیزان نشان می‌دهد که به رغم شبهات متعدد، هیچ تعارض ذاتی بین آثار گناه (اعم از تکوینی و تشریعی) با صفات الهی وجود ندارد. بر اساس یافته‌های این پژوهش:

۱. **حفظ اختیار در سایه قوانین الهی:** مجازات‌های دنیوی و اخروی نه تنها نافی اختیار نیستند، بلکه با ایجاد چارچوب مسئولیت‌پذیری، زمینه انتخاب آگاهانه را فراهم می‌سازند.

۲. **عدالت در پرتو وحدت ارگانیکی:** آثار جمعی گناه با عدل الهی منافات ندارد، زیرا جامعه به مثابه یک موجود زنده و به هم پیوسته، تابع قوانین واحد علی و معلومی است که بر اساس حکمت الهی تاسیس شده است.

۳. **رحمت در قالب مجازات‌ها:** حدود و بلایا - با تعریف صحیح رحمت به معنای "رفع نقص" - خود مصداقی از رحمت الهی هستند که موجب پاکسازی و بازدارندگی می‌شوند.

۴. **حکمت در نظام سنن الهی:** سرایت آثار گناه به بی‌گناهان، نه از روی بی‌حکمتی، بلکه بر اساس سنت‌های ثابت الهی و به منظور هشدار و بیداری جامعه است.

این پژوهش نشان می‌دهد که تفسیر المیزان با ارائه نظام فکری منسجم، قادر به پاسخ‌گویی به پیچیده‌ترین شبهات کلامی در این حوزه بوده و هماهنگی عمیق بین عقل و دین را به تصویر می‌کشد.

منابع

قرآن

نهج البلاغه

ابن شعبه الحرائی، تحف العقول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی (التابعه) لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ۱۳۶۳ ش.

آقاجانی، نصرالله، ویژگی‌ها و انواع سنت‌های الهی در تدبیر جوامع، اسلام و مطالعات اجتماعی سال دوم زمستان ۱۳۹۳

شماره ۳ (پیاپی ۷)

تفسیر المنسوب إلى الإمام العسكري (ع)، قم، مدرسه الإمام المهدي عجل الله فرجه الشريف، ۱۴۰۹ ق.

حلی، احمد بن فهد، عدۀ الداعی ونجاح الساعی، قم، مکتبۀ الوجدانی، بی تا.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد بن مفضل، المفردات فی غریب القرآن، قم، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۳ق.
- شهید ثانی؛ زین‌الدین بن علی، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ج ۱۴، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۲۳ق.
- شیخ صدوق، محمد بن علی، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ج ۱، قم، دار الشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ق.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ترجمه المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱، ج ۳، ج ۹.
۱۰. ج ۱۷، ج ۱۸، قم، دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، ۱۳۷۴ش.
- طوسی، محمد بن الحسن، امالی، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضه الواعظین و بصیره المتعظین (ط-القدیمه)، ج ۲، قم، انتشارات رضی، ۱۳۷۵ش.
- الکلینی الرازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- المتقی الهندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال والأفعال، بیروت، مؤسسه الرساله، الطبعة الخامسة، ۱۴۰۱ق.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۶۷، قم، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- ، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۹، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.
- مصباح یزدی، محمد تقی، انسان شناسی در قرآن، قم، مؤسسه امام خمینی ره، ۱۴۰۱ش.
- ، آموزش فلسفه، قم، مؤسسه امام خمینی ره، ۱۴۰۳ش.
- ، جامعه و تاریخ از نگاه قرآن، قم، مؤسسه امام خمینی ره، ۱۳۹۱ش.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم، صدرا، ج ۳، ۱۳۸۹ش.
- مغربی، ابو حنیفه، نعمان بن محمد تمیمی، دعائم الإسلام، ج ۱، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۳۸۵ق.
- النجفی الجواهری، الشیخ محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۴۱، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۳۶۲ش.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود، مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی، ج ۶، قم، فرهنگ فقه، ۱۳۹۵ش.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی